

پرتوی برگزیده افغانستان

(گشت و گذاری در یک کتابخانه دیجیتالی)

مجید رهبانی

معرفی کتابخانه

کتابخانه دانشگاه نیویورک از حدود شش سال پیش طرح کتابخانه‌ای مجازی را به نام «کتابخانه دیجیتالی افغانستان» به اجرا گذاشته است که اینک حاصل آن در اینترنت در دسترس عموم قرار دارد*. در صفحه نخست تارنمای کتابخانه، در معرفی طرح آمده است:

«میراث نشر افغانستان آشکارا در خطر نابودی است. نخستین آثار چاپی افغانستان بسیار نادر و کمیاب‌اند و آنچه از این انتشارات برجای مانده، اغلب به طور انحصاری در مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شود؛ مجموعه‌هایی که دسترسی عموم به آن‌ها محدود و دشوار و یا ناممکن است. چند دهه جنگ در افغانستان باعث پراکندگی یا نابودی بیشتر این آثار در داخل کشور شده است.»

هدف نخستین کتابخانه دیجیتالی افغانستان بازیابی و ترمیم بخشی از میراث فرهنگی این سرزمین در دوره شصت ساله ۱۸۷۱ تا ۱۹۳۰ میلادی عنوان شده است. در این طرح، آثار چاپی افغانستان شناسایی، گردآوری، فهرست‌نویسی و دیجیتالی می‌شوند و برای استفاده عموم در اینترنت قرار می‌گیرند. این مجموعه علاوه بر کتاب، شامل نشریات، اسناد، جزوات و رسائل، و نظام‌نامه‌های دولتی نیز هست. نخستین مرحله این طرح در سال ۲۰۰۵ به اجرا درآمد و طی آن آثار چاپی چندین مجموعه خصوصی گردآوری شد. علاوه بر آن از مجموعه‌های کتابخانه دانشگاه نیویورک و کتابخانه بریتانیا نیز استفاده شد. آغاز مرحله دوم طرح به سال ۲۰۰۶ باز می‌گردد که در آن کارکنان «آرشیو ملی افغانستان» در زمینه حفظ و نگهداری و دیجیتالی کردن منابع، آموزش دیدند. آن‌ها هم‌اکنون سرگرم فهرست‌نویسی و دیجیتالی کردن منابع موجود در مجموعه‌های مختلف دولتی و خصوصی داخل افغانستان‌اند. طرح کتابخانه دیجیتالی افغانستان در نظر دارد که در مرحله بعد، به آثار چاپی سال‌های ۱۹۳۱ تا ۱۹۵۰ افغانستان بپردازد. از دید مجریان طرح، فراهم ساختن دسترسی جهانی به آثار این دوره از تاریخ نشر افغانستان، یاریگر فرایند ایجاد یک کتاب‌شناسی ملی برای آن کشور است. آن‌ها همچنین بر آن‌اند که کتابخانه دیجیتالی افغانستان بخشی ضروری از فرایند احیای میراث فرهنگی افغانستان را تشکیل خواهد داد.

طرح کتابخانه دیجیتالی افغانستان از پشتیبانی نهادهایی چون «موقوفه ملی برای علوم انسانی»، «بنیاد رید»، «بنیاد دبلیو.ال. اس. اسپنسر» و «بنیاد گلا دیس بروکس» بهره‌مند است. در هیئت مشاوران کتابخانه استادان امریکایی، اروپایی و افغانستانی حضور دارند که از دسته اخیر، نام‌های روان فرهادی (امریکا)، حسن کاکر (کانادا)، جمیل حنیفی (امریکا) و امین طرزی (امریکا) به چشم می‌خورد. منابع کتابخانه به سه بخش «کتاب‌ها»، «اسناد» و «روزنامه‌ها» تقسیم شده است. در مجموع ۳۸۳ اثر چاپی (اعم از چاپ سنگی و حروفی) فهرست شده و متن کامل اکثر آن‌ها به صورت پی. دی. اف در دسترس است. مشخصات کتاب‌شناختی هر اثر به خط لاتین و به زبان انگلیسی ثبت شده است، شامل: آوانگاری نام اثر، نام مؤلف و ناشر، تاریخ نشر، موضوع و مشخصات ظاهری (اندازه و تعداد صفحات).

گفتنی است که در تصویربرداری (اسکن) هر اثر هیچ جزئی از آن از قلم نیفتاده است؛ حتی داخل جلد و آستر بدرقه یا صفحات سفید اول و آخر و... در فهرست‌نویسی انگلیسی آثار هم دقت بسیاری به کار رفته است و این نکته به ویژه در ثبت موضوع آثار، چشمگیر است. اکثریت آثار به زبان فارسی است و آنچه به زبان پشتو دیده می‌شود، اغلب در زمره نظام‌نامه‌ها، لوايح، اعلان‌نامه‌ها یا «فیصله»های رسمی و دولتی - عمدتاً مربوط به دوره امان‌الله خان - است. از نظام‌نامه‌ها، عهدنامه‌ها و دیگر مطالبی که جزو «اسناد» به شمار می‌روند و همچنین معهود مطبوعات موجود در کتابخانه که بگذریم، کتاب‌ها را می‌شود به چند دسته تقسیم کرد: کتاب‌های آموزشی دوره‌های ابتدایی و دبیرستان؛ دیوان‌ها و دفترهای شعر؛ کتاب‌های جغرافیای افغانستان و جهان؛ متن‌های حقوقی و قضایی و مجموعه‌های موضوعی قوانین؛ کتاب‌های آموزش فنون نظامی، «تشکیلات عسکری»، درجات نظامی، جغرافیای نظامی و...؛ تاریخ افغانستان و جهان؛ متون دینی و فقهی و آموزش قرائت قرآن؛ کتاب‌های صرف و نحو زبان ترکی؛ شیوه‌نامه‌های کشاورزی و پرورش کرم ابریشم و...؛ شیوه‌نامه‌های آموزش و تربیت اطفال برای آموزگاران؛ متن‌هایی در وصف و مدح پادشاهان وقت (عبدالرحمان خان، حبیب‌الله خان و محمدنادرخان)؛ و چند کتاب

نمونه‌هایی از آثار

از میان آثار کتابخانه، برای نمونه از چند کتاب و رساله یاد می‌شود که هر یک از جهاتی جالب‌اند. در کتابخانه دیجیتال افغانستان چند اثر با نام امیر عبدالرحمان خان دیده می‌شود. پادشاهی که در اغلب نوشته‌های تاریخ‌نگاران افغانستانی به قساوت و بی‌رحمی و همچنین دست‌نشانگی بریتانیا شهرت دارد - اگرچه در برخی منابع غربی، «دیکتاتور مصلح» و پایه‌گذار تجدد در افغانستان نیز نامیده شده است. یکی از آن‌ها کتابی چاپ سنگی و مربوط به سال ۱۳۰۴ ق (۱۸۸۶ یا ۱۸۸۷ م) است و کلمات *امیر البلاد فی الترغیب الی الجهاد* نام دارد. وی در این رساله، با اشاره به جنگ‌های اول و دوم بریتانیا و افغانستان، احتمال وقوع جنگی دیگر با «جنود کفار» را پیش‌بینی کرده، با استناد به آیات قرآن و روایات پیامبر، بر لزوم آمادگی برای جهاد و فضیلت بذل مال و جان در راه آن تأکید ورزیده است.

نصایح نامجه رساله‌ای دیگر است با تاریخ ۱۳۰۳ ق که بر روی صفحه نخست آن آمده: «چند سطری است که حضرت پادشاه اسلام پناه [...] امیر عبدالرحمن [...] برای قوم خود پیشین‌گویی فرموده که از واردات زمانه مستظهر [مستحضر(۶)] باشند». این رساله آن‌گونه که از مقدماتش بر می‌آید، تقریر سخنان امیر در جمع سران طایفه سلیمان خیل (از طوایف قدرتمند غلجایی) بوده و ظاهراً نماینده دولت بریتانیا نیز در مجلس حضور داشته است. در این متن که در واقع شرحی است بر سیاست خارجی امیر عبدالرحمان در قبال همسایگان، او از موقعیت تهدیدآمیز روس‌ها پس از اشغال پنج‌ده و پیشروی آن‌ها به سوی پامیر و تقویت نیروهای نظامی‌شان یاد می‌کند و نیز از تمایل پنهانی انگلیسی‌ها به این که برخوردی خونین میان مردم افغانستان با روس‌ها واقع شود تا امکان هرگونه دوستی آینده آنان منتفی گردد. در این رساله امیر به خطر دوستی با روس‌ها و زیان‌هایی که می‌تواند در پی داشته باشد هشدار می‌دهد و از برخی اسلاف خود که چنین نیتی داشته‌اند به عنوان ابله و دیوانه و خائن یاد می‌کند. وی با گفتن این که «امکان ندارد که مردم افغانستان با دولت روس دوست شوند زیرا که او از خیال گرفتن هندوستان گذشت ندارد و باید این مردم را پایمال کند» تا به آن‌جا برسد، از لزوم دوستی با انگلستان و خطر کمتر آن می‌گوید. چرا که به زعم وی، بریتانیا افغانستان را حائل بر سر راه دست‌اندازی روسیه به هندوستان می‌خواهد و در حمایت و پشتیبانی از یک دولت مقتدر در آن سود می‌برد. شرح و توضیحات امیر عبدالرحمان در ضمن خالی از خرده‌گیری و سرزنش سران برخی از طوایف افغانستان و بی‌تدبیری‌های کارگزاران بریتانیا و فرماندهی نظامی‌اش در آن کشور نیست.

ذکر شاه اسلام رساله‌ای است در وصف شمایل و شرح احوال مدح اغراق‌آمیز امیر حبیب‌الله خان (جانشین عبدالرحمان خان) به دو زبان فارسی و پشتو که در آن برخی مطالب دیگر نیز آمده است.



ظاهراً این کتاب در آستانه سفر امیر حبیب‌الله به هندوستان (به دعوت نایب‌السلطنه بریتانیا) نوشته و چاپ شده است.

اغلب معاهده‌نامه‌های افغانستان با دیگر کشورها و بسیاری از نظام‌نامه‌های دولتی موجود در کتابخانه دیجیتال افغانستان متعلق به دوره «امانی» است. یعنی دوران سلطنت امیر امان‌الله خان، فرزند و جانشین تجددخواه و اصلاح‌طلب حبیب‌الله خان که در نهایت ناکام ماند و ناچار به گریختن از کشور شد. اما بجز رساله کم‌برگی با چاپ حروفی، به نام به ملت عزیزم (شامل مصوبات لویه جرگه و مقدمه‌های کوتاه از امیر امان‌الله خان) و غیر از نظام‌نامه‌ها و معاهدات پیش‌گفته، اثر دیگری دیده نمی‌شود که نام او را بر خود داشته باشد. در فهرست‌نویسی این اثر، تاریخ انتشار آن با تردید ۱۹۲۳ ذکر شده است. ولی در مقدمه امیر، از طی شدن «دوره ترقیات ابتدائیه ده ساله» و آغاز دوره دوم سخن رفته است و در نتیجه می‌توان احتمال داد که متعلق به آخرین سال زمامداری امان‌الله خان (۲۹ - ۱۹۲۸) باشد. از میان نظام‌نامه‌های دوره امانی، برخی نام برده می‌شوند: نظام‌نامه تشکیلات اساسیه افغانستان، نظام‌نامه اساسی وزارت معارف، نظام‌نامه مالیه، نظام‌نامه استغای مأمورین دولت، نظام‌نامه جزای عمومی، نظام‌نامه بلدییه، نظام‌نامه آذوقه، نظام‌نامه توقیف‌خانه‌ها و محبوس‌خانه‌ها، نظام‌نامه اخذ رسوم گمرک، نظام‌نامه البسه عسکریه، نظام‌نامه اداره مساکن، نظام‌نامه تربیت اطفال یتیم، نظام‌نامه جزای عسکریه، نظام‌نامه خزانه‌جات دولت، نظام‌نامه

و پشتو و یک پیوست ترجمه اردو به شیوه چاپ سنگی منتشر شده، یکایک اعتراضات امیرامان الله در اعلانی که صادر کرده بود، ذکر شده و به آن پاسخ گفته شده است. این متن ضمن این که دفاعیه‌ای از محمدنادر خان به عنوان «پادشاه منتخب مردم افغانستان» و شرح فضایل اوست، انتقادنامه‌ای نیز بر عملکردهای امان‌الله خان است که او را به انواع مفاسد و گناهان شرعی و عرفی متهم می‌سازد. در پایان نیز اسامی ۳۰۱ نماینده عضو لویه جرگه و حوزه انتخابیه هر یک درج شده است.

کتاب دیگر در ۲۸۸ صفحه و با چاپ حروفی، بحران و نجات نوشته محیی‌الدین انیس است که بر جلد آن نوشته شده: «چگونه سوء اداره در مملکت بحران پیدا کرد، و جامعه دزدان از موقع استفاده کرده، زمامداری نمودند. و چگونه جماعتی که در اطراف برای سقوط دادن این دزدان پیدا شده بود یکی بعد از دیگر سقوط کرد یا دست از کار کشید. بالاخره به چه گونه ایثار و قربانی و فداکاری‌ها وطن نجات یافت». شرحی که بیانگر محتوای کتاب است و نویسنده آن تأکید ورزیده که صرفاً تاریخ را روایت کرده، بی‌هیچ بیش و کم یا قضاوت. کتاب شامل شرح پیش زمینه‌های وقوع بحران در حاکمیت امانی و سربرآوردن اغتشاش‌های قومی و قبیله‌ای است که در نهایت به غلبه «بچه سقو» منتهی شد، و سپس جزئیات جنگ‌هایی که کار وی را یکسره ساخت.

محمود طرزی و آثارش

در ادامه باید از فردی یاد کرد که حضوری پر جلوه در میان آثار کتابخانه دیجیتال افغانستان دارد، یعنی محمود طرزی (۱۲۸۲ ق / ۱۲۴۴ ش تا ۱۳۱۲ ش). طرزی از چهره‌های شاخص سیاسی و ادبی افغانستان است که نقشی برجسته در نهضت نوگرایی و مشروطیت دوم افغانستان داشت. وی دوران جوانی خود را به همراه پدر در تبعید استانبول و دمشق گذراند و تحت تأثیر افکار سیدجمال‌الدین (افغانی / اسدآبادی) و مبارزات ترکان جوان و حزب اتحاد و ترقی قرار داشت. او اهدافی چون تبدیل حکومت استبدادی به مشروطه، قطع یداستعمار بریتانیا از افغانستان و رفع تفرقه مذهبی میان مردم کشورش را دنبال کرد و آثار متعددی نگاشت. برخی محمود طرزی را «فروغی افغانستان» نامیده‌اند، چرا که این دو رجل سیاسی و فرهنگی در دورانی واحد، دل به آرمان‌هایی همسان سپرده بودند و آن‌ها را از شیوه‌های مشابهی دنبال می‌کردند. طرزی را «پدر روزنامه‌نگاری افغانستان» می‌دانند و روزنامه *سراج الاخبار افغانیه* او را پایگاه نشر نوگرایی و روشنگری در میدان مبارزات اجتماعی و نیز فرهنگ و ادب افغانستان می‌شمارند. علاوه بر نقش محمود طرزی در جنبش استقلال طلبی، ملی‌گرایی و مشروطیت افغانستان، باید از جایگاه وی در تجدد ادبی و معرفی قالب‌های ادبی نو (چون رمان) به مردم کشورش یاد کرد. محمود طرزی در نخستین دولت امان‌الله خان به وزارت خارجه رسید و پایه‌گذار سیاست خارجی افغانستان در دوره اقتدار جنبش تجددخواهی و مشروطیت شد. مذاکرات با بریتانیا و امضای معاهده ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱ به کوشش وی به انجام رسید که طی



محمود طرزی و همسرش رسمیه

مکاتب ابتدایی، نظام‌نامه مطبوعات، نظام‌نامه مقیاسات، نظام‌نامه مراسم تعزیه‌داری، نظام‌نامه نکاح و عروسی و... جانشینان امان‌الله خان همگی در نفی دوره وی و محو تا حد ممکن آثار بازمانده از اصلاحات تجددخواهانه‌اش کوشیده‌اند. شاید حاصل این تلاش را امروز در گنجینه کتابخانه دیجیتال افغانستان می‌توانیم ببینیم. اما اگر از امان‌الله خان اثر خاصی جز آن چه آمد دیده نمی‌شود، در عوض از جانشین باواسطه او رساله‌ها و کتاب‌هایی دیدنی در کتابخانه موجود است. امان‌الله خان با شورش حبیب‌الله کلکانی (ملقب به بچه سقو) از قوم تاجیک از قدرت ساقط شد. اما حاکمیت حبیب‌الله که ظاهراً سابقه راهزنی هم داشت، ۹ ماه بیشتر دوام نیافت و به دست سردار محمدنادر خان (پدر ظاهرشاه، پادشاه سابق افغانستان) برچیده و خود وی اعدام شد. محمدنادر خان در دوره سلطنت امیر حبیب‌الله، فرمانده کل ارتش افغانستان بود و در زمان امان‌الله خان به سفارت افغانستان در پاریس فرستاده شد. او که به یاری برادرانش و در آغاز با داعیه احیای حاکمیت «امانی» از خارج به کشور بازگشته بود، سرانجام به جای بازگرداندن امان‌الله خان به تخت سلطنت، خود پادشاهی افغانستان را به نام «نادرشاه افغان» عهده‌دار شد. در میان کتاب‌های کتابخانه دیجیتال افغانستان چند اثر درباره این ماجرا دیده می‌شود که اهمیت تاریخی دارد.

تردید: *شایعات باطله شاه مخلوع* («عین فیصله نمره ۵ لویه جرگه ۱۳۰۹» ش) از آن جمله است. در این متن که به دو زبان فارسی

آن خط مرزی دیورند (دوراند) رسماً مورد شناسایی و تأیید دولت افغانستان قرار گرفت. همچنین معاهده ۱۹۲۱ با شوروی و معاهدات دیگری با ایران، ترکیه، آلمان و... همگی به امضای اوست و از این طریق، خروج افغانستان از انزوای جهانی و ورود به دنیای خارج را شکل بخشید.

از محمود طرزی در کتابخانه دیجیتال افغانستان، گذشته از شماره‌هایی از *سراج‌ال‌اخبار*، قریب ۲۰ کتاب موجود است. از ترجمه‌های وی (عمدتاً از ترکی استانبولی)، دو رمان از ژول ورن (*بیست هزار فرسخ سیاحت در زیر بحر و سفر در جو هوا*) و کتاب پنج جلدی *تاریخ محاربه روس و ژاپن* (نوشته عثمان ثنایی و علی فؤاد، دو افسر عالی‌رتبه ترک) دیده می‌شود.

از جمله آثار ادبی وی در این کتابخانه، کتاب *ادب در فن* است. دفتر شعری که سروده‌هایی با بهره‌گیری از واژگان علم و فن جدید (مانند تلگراف، گرامافون، ماشین، ریل قطار، الکتریسیته، تلسکوپ و...) را در بر دارد که بیانگر خواست طرزی در همراهی با کاروان پیشرفت علمی جهان و ترویج آن در کشور خویش است. اشعار این دفتر اگرچه به چشم امروز سست است و صورت بازار ندارد، ولی در زمان خود گونه‌ای نوآوری و سنت‌شکنی به شمار می‌آمده است.

دو کتاب *پراکنده* (شامل شعرهای طرزی از ۱۳۱۴ تا ۱۳۳۴ ق) و *از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی* (شامل مقالاتی در ادب و حکمت و همچنین شعر) نیز در کتابخانه دیده می‌شود. محمود طرزی از جمله کسانی بود که مسئله ساده‌نویسی و پرهیز از نثر متکلف را مطرح ساخت و در مقالات این کتاب با سبک نوشتاری وی می‌توان آشنا شد. *افغانستان* نیز کتاب کم‌برگی است که در آن جغرافیای کشور خود را به نظم کشیده است. تاریخ سرایش این منظومه ۱۳۲۳ ق است و در سال ۱۳۳۰ ق در کابل به چاپ رسیده است.

برخی از کتاب‌های محمود طرزی به صورت ضمیمه *سراج‌ال‌اخبار* چاپ شده‌اند. مانند رساله *وطن* (و معانی متنوعه، و محاکمات حکمیة آن) که ضمیمه شماره ۲۴ از سال ششم *سراج‌ال‌اخبار* (۱۳۳۵ ق) است. نویسنده در این کتاب به شرح «کلمه مقدسه وطن» به مثابه یک «کلمه قدیم‌الوضع جدید الفایده» و یکی از مفاهیم نو پرداخته است. او معنای لغوی وطن و تعابیری چون مسقط‌الرأس، وطن موروثی، وطن متخذ، وطن حقیقی، وطن مشترک و وطن سیاسی را شرح می‌دهد و سخن خود را با منظومه «عشق به وطن» به پایان می‌رساند؛ منظومه‌ای با مطلع «هر کس که دل به عشق وطن کرد مبتلا / ایمان و عقل و دین نشود هیچ از او جدا».

اثر دیگری که به واسطه موضوع بحث آن جالب توجه است، *آیا چه باید کرد؟* نام دارد. این کتاب ۱۶۰ صفحه‌ای ضمیمه آخرین شماره سال اول (به تاریخ ۱۳۳۰ ق) *سراج‌ال‌اخبار افغانستان* است. محمود طرزی با پرسش صدساله و همچنان مطرح «چه بودیم، چه شدیم؟» آغاز می‌کند. از غلبه اسلام بر امپراتوری ایران و سپس دامن گستردن آن بر بخش بزرگی از سرزمین‌های شرق سخن می‌گوید و این که در قرون وسطی «مسلمان‌ها بودند که مدنیت را در عالم نشر کردند». سپس رواج دانش از شرق به غرب و نشو و نما فوق‌العاده آن

را در آن صفحات شرح می‌دهد تا آن جاکه اروپا بر شرق غلبه می‌یابد و مسلط می‌شود. او از ترس و وحشت مردمان شرق و مسلمانان می‌گوید که خود را در محاصره دشمنان و استعمارگران می‌یابد و عاجزانه می‌پرسند: چه باید کرد؟ او می‌نویسد: «ظهور حضرت سیدنا مهدی را انتظار باید کرد! اما خیلی خوب، چه سان انتظار باید کرد؟ دست بسته، پابسته، دهن بسته، چشم بسته انتظار باید کرد؟ مانند تنبلان زیردرخت زردآلو به امید افتادن زردآلو دهن باز افتاده انتظار باید کرد؟... فرصت‌ها، و وقت‌های بسیار عزیز را از دست داده انتظار باید کرد؟ ذلت، حقارت، اسارت را قبول کرده، انتظار باید کرد؟...» سپس نقشه‌ای را ترسیم می‌کند که در آن سرزمین‌های شرق مسلمان در حکم جزیره‌ای هستند که از چهارسو سیلاب دولت‌های اروپایی استعمارگر آن فرا گرفته است. در رأس جزیره، دولت عثمانی است که «همه قوت سیلاب اول بر آن هجوم کرده آمده» و هزارگونه صدمه را از «محاربات اهل صلیب» متحمل شده است. محمود طرزی شرحی مختصر از تاریخ عثمانی به دست می‌دهد تا به ماجرای مشروطیت و مرام و اهداف جمعیت اتحاد و ترقی و تلاش اروپا برای تجزیه امپراتوری عثمانی می‌رسد. پس از آن به ایران نظر می‌کند. در این جا محمود طرزی که در اصل یک سیاستمدار لائیک بود، بر «تفرقه مذاهب» از دوره شاه اسماعیل صفوی انگشت می‌گذارد و می‌نویسد اگر او «به یک نظر دوربینی حال امروز عالم اسلام را می‌دید و می‌دانست، هیچ‌گاه با مذهب جداگانه دیگری اعلان سلطنت نمی‌کرد... این انشقاق مذهب که صرف بر یک اساس پولتیکی مبنی بود [یعنی در رقابت با خلافت سلطان سلیم عثمانی] یک نتیجه وخیمی در پولتیک استقبال اتحاد اسلام نشان داد». وی دشمنی مذهبی را اساس ذلت مسلمانان می‌شمارد که امروز «افضل طاعات و عبادات [را] سب و شتم بعضی گذشتگان هزارساله، و نوحه کردن و زارزار گریستن عمری برای واقعات الم‌انگیز فجیعۀ گذشته» دانسته‌اند. محمود طرزی پس از شرحی از تاریخ ایران تا مشروطیت و استبداد صغیر، به افغانستان می‌پردازد که آن را «آخر جزیره» توصیف می‌کند. از جنگ‌های با انگلستان می‌گوید و از دوران سلطنت امیر عبدالرحمن خان و سپس جانشین او. در نهایت راه نجات را در چهار چیز می‌داند: نخست بازگشت به قرآن و علم یافتن به آن؛ دوم، اتحاد و یگانگی و اتفاق در میان همه ملل و اقوام و مذاهب در سرزمین‌های اسلامی؛ سوم، کسب دانش و صنعت؛ «علوم و صنایع را مانند یک مال کم شده خود دانسته، در عقب آن بدویم و به دست آریم» و در این راه، هیچ چاره‌ای جز تأسیس مکتب‌ها و دارالفنون‌ها نیست؛ و چهارم، «عسکر شدن» به معنی نظام وظیفه اجباری: «دولت علیه عثمانیه همه عسکر شده‌اند. ایران و افغانستان را نیز ضرور است که همه عسکر شوند. ملتی که برای محافظه ملیت و وطنیت خود عسکر نشود حق وطن و شرف ملت خود را به جا نیاورده خواهد بود.» محمود طرزی در خاتمه یادآور می‌شود که «مطبوعات اسلامیة از این گونه ایقاظ‌نامه‌ها و فغان‌ها بیشتر و بیشتر و باربار بهتر، نوشته و گفته و نشر کرده‌اند که این اثر ناچیزانه ما نسبت به آن هیچ نیست. و چون از نگفتن و نوشتن، گفتن و نوشتن بهتر می‌نمود [...] به تحریر و نشر



این اثر جرئت نموده شد.»

دسترسی به منابع اولیه در هر پژوهش تاریخی و فرهنگی یک ضرورت جدی است. به ویژه برای پژوهش در تاریخ کشوری چون افغانستان که در منابع ثانوی تاریخ نگاری آن، غرض ورزی های قومی و مذهبی بیداد می کند. از این رو، تأسیس چنین کتابخانه ای برای پژوهشگران تاریخ افغانستان و به ویژه نسل جوان جست و جوگر امروز آن سامان که به راه دیگری می روند مغتنم است. برعکس تصور رایج که افغانستان پس از سرنگونی طالبان را یکسره گرفتار جنگ و مصیبت می بیند، این کشور امروز دوره ویزه های از حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود را تجربه می کند. تلاش برای بازتعریف هویت ملی ساکنان کشور، دقیق تر ساختن مرزهای قومی، و ترسیم خطوط اشتراک با هدف دستیابی به هویت واحد «شهروند افغانستانی» در ورای تعلقات طایفه ای و زبانی و مذهبی از آن جمله است. آزادی نسبی اندیشه و بیان و رسانه ها که در گذشته تاریخی آن کشور و برخی کشورهای هم جوارش کم مانند است فضای مناسبی را برای بازشناختن و بیشتر و بهتر شناختن گذشته تاریخی و پیوندهای فرهنگی آن سرزمین با جوامع هم زبان و هم سرنوشت همسایه فراهم ساخته است و در این جاست که کارکرد مثبت و مفید نهادهایی چون کتابخانه دیجیتال افغانستان آشکار می شود.

* <http://afghanistandl.nyu.edu>

محمود طرزی اگرچه از نخستین کسانی بود که بر ضرورت ترویج زبان پشتو در افغانستان تأکید می ورزید، زبان فارسی را صرفاً «زبان رسمی دولتی» می شمرد و پشتو را «زبان افغانی ملتی» می خواند، با این حال آثار بازمانده از وی همگی به فارسی نوشته شده و شاهدهی بر مهارت وی در ادب فارسی و نثر روان و گویای دری است. در میان آثار محمود طرزی در کتابخانه دیجیتال افغانستان هم اثری به پشتو دیده نمی شود. ظاهراً پدر مطبوعات افغانستان، فارسی را قالب مناسب تری برای بیان افکار و آرمان های خود یافته بود.

*

در بررسی فهرست کتابخانه دیجیتال افغانستان به مواردی بر می خوریم که گرچه نام اثری ذکر شده، ولی هنوز متن آن در دسترس قرار نگرفته است. برخی از این آثار مهم اند و شاید مناقشه انگیز، مانند رساله سؤال و جواب امیر عبدالرحمن خان که مربوط به معاهده دیورند (دوراند) است.

چنان که در صفحه نخست تارنما توضیح داده شده، قابلیت جست و جو در کتابخانه هنوز در مراحل آزمایشی است و متصدیان در حال تکمیل و بهبود بخشیدن به آن هستند.

نکته دیگر، انگلیسی بودن تارنماست. به احتمال زیاد متصدیان به فکر دوزبانه (فارسی - انگلیسی) کردن آن هستند، چرا که در غیر این صورت میزان مراجعه به کتابخانه و استفاده از گنجینه آن بسیار محدود خواهد شد.